

## قسمت دوم

### غفلت کی برطرف می شود؟

خداوند در خصوص حالات قیامت می فرماید که به بندگان این گونه خطاب می شود:

«لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» - (به او خطاب می شود): تو

از این صحنه (و دادگاه بزرگ) غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملاً تیزبین است!» (ق/۲۲)

«این طور خطاب می شود: "لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا" تو در دنیا از این هایی که فعلاً مشاهده

می کنی در غفلت بودی، هر چند که در دنیا هم جلو چشمت بود و هرگز از تو غایب نمی شد، لیکن تعلق و دل بستگی ات به اسباب، تو را از درک آن ها غافل ساخت و پرده و حائلی بین تو و این حقائق افکند، اینک ما آن پرده را از جلو درک و چشمت کنار زده ایم، "فَبَصَرُكَ" در نتیجه بصیرت و چشم دلت "الْيَوْمَ" امروز که روز قیامت است "حَدِيدٌ" تیزبین و نافذ شده، می بینی آن چه را که در دنیا نمی دیدی.

از این آیه استفاده می شود که در آن روز پرده غفلت از جلو چشم بصیرت انسان کنار می رود و در نتیجه حقیقت امر را مشاهده می کند، و این نکته در آیات بسیار دیگر نیز آمده، مانند آیه "وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ" (انفطار/۱۹)، و آیه "لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ" (غافر/۱۶) و آیاتی دیگر نظیر این ها... دوم این که آن چه خدا برای فردای قیامت انسان تهیه دیده، از همان روزی تهیه دیده که انسان در دنیا بوده ولی از چشم بصیرت او پنهان بوده است. «ترجمه المیزان ج ۱۸ ص ۵۲۴»

### غفلت پذیرفته نیست

خداوند در وجود همه ی انسان ها خداخواهی و بصیرت را قرار داده است و این امری است فطری که قبل از ورود انسان به این جهان اتفاق افتاده است. به همین دلیل از هیچ کس غفلت و بی خبری یا بی توجهی پذیرفته نیست. خداوند در قرآن کریم به این موضوع تصریح فرموده است: خداوند تبارک و تعالی در آیه ۱۷۲ سوره اعراف می فرماید که همه ی انسان ها را خداشناس خلق کرده است و همه به صورت فطری خداوند و به تبع آن خوبی ها و بدی ها را می شناسند. به همین دلیل دزدی، دروغ، بی تعهدی و... در همه ی جوامع و میان همه ی انسان ها از صفات مذموم؛ و کمک به دیگران، فداکاری، راستگویی و... از اخلاق پسندیده است.

خداوند در همین آیه و آیه بعد دلیل رساندن انسان به این شناخت را عدم بهانه‌جویی بنی‌آدم در قیامت بیان داشته است که در آن روز نگویند ما نمی‌دانستیم.

«وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ - وَ (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه‌ی آن‌ها را برگرفت و آن‌ها را گواه بر خویشتن ساخت (و فرمود): آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می‌دهیم! (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویید: ما از این، غافل بودیم (و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم)!»

«أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ كُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ بَعْدِهِمْ أَ فَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ - یا بگویید: پدرانمان پیش از ما مشرک بودند، ما هم فرزندانی بعد از آن‌ها بودیم (و چاره‌ای جز پیروی از آنان نداشتیم) آیا ما را به آن چه باطل‌گرایان انجام دادند مجازات می‌کنی؟!»

از امام صادق علیه‌السلام هم نقل شده است که درباره‌ی آیه:

«قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ - بگو: دلیل رسا (و قاطع) برای خداست (دلیلی که برای هیچ‌کس بهانه‌ای باقی نمی‌گذارد). و اگر او بخواهد، همه‌ی شما را (به اجبار)

هدایت می‌کند. (ولی چون هدایت اجباری بی‌ثمر است، این کار را نمی‌کند.)» (انعام/۱۴۹)  
 فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ يَقُولُ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَبْدِي أَ كُنْتَ عَالِمًا فَإِنْ قَالَ نَعَمْ قَالَ لَهُ أَ فَلَا عَمِلْتَ بِمَا عَلِمْتَ وَ إِنْ قَالَ كُنْتُ جَاهِلًا قَالَ لَهُ أَ فَلَا تَعَلَّمْتَ حَتَّىٰ تَعْمَلَ فَيُحْصِيهِ وَ ذَلِكَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ - خداوند در روز رستاخیز به بنده‌ی خویش می‌فرماید بنده‌ی من! آیا می‌دانستی (و گناه کردی)؛ اگر بگوید آری، می‌فرماید: چرا به آن چه می‌دانستی عمل نکردی؟ و اگر بگوید نمی‌دانستم، می‌گوید: چرا یاد نگرفتی تا عمل کنی؟ در این موقع فرو می‌ماند، و این است معنی حجت بالغه» (الأمالی (للمفيد)، النص، ص ۲۲۸)

اهمیت یاد گرفتن تا جایی است که پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کسانی را که بر اثر ندانستن مسئله باعث مرگ فردی شده بودند نفرین کرده است.

جابر بن عبد الله انصاری می‌گوید: ما با گروهی در مسافرت بودیم. سر مردی به وسیله سنگ شکسته شد. او در شب محتمل شد و صبح به آن گروه گفت: آیا من مجاز هستم که غسل نکنم؟ گفتند: نه. چون آب موجود است لذا باید غسل کنی. هنگامی که وی آب بر سر خود ریخت و غسل کرد از دنیا رفت. موقعی که از مسافرت مراجعت نمودیم و این جریان را برای پیامبر اعظم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شرح دادیم آن بزرگوار دل‌تنگ شد و فرمود:

قتلوه قتلهم الله أ لا سئلوا اذا لم يعلموا فأما شفا العیّ السؤل - او را کشتند؟ خدا آنان را بکشد! چرا

**حکم این مسئله را نپرسیدند، آیا نمی دانستند که دواى ندانستن پرسیدن می باشد!؟**

وظیفه آن شخصی که مُرد تیمم بود، یا این که پارچه‌ای بر روی زخم می بست و در هنگام غسل دست با رطوبت خود را روی آن می کشید.

(روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۷۳ - حسین بن علی ابوالفتح رازی، در این تفسیر این روایت را به عنوان شأن نزول آیه ۴۳ سوره نساء ذکر کرده است. البته این حدیث سند دیگری دارد که از ابن عباس نقل شده است. سید میر حامد حسین هندی نیشابوری در کتاب «عقبات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار ج ۲، ص ۷۲۵» این روایت را با سلسله سند زیر نقل نموده است.

ابن عبد البر القرطبی در «جامع بیان العلم» گفته: قرأت علی أبی عبد الله محمد بن عبد الله أن محمد بن معاویه القرشی أخبرهم، قال: حدّثنا إسحاق بن أبی حسان الأنماطی، قال: حدّثنا هشام بن عمار، قال حدّثنا عبد الحمید، قال: حدّثنا الأوزاعی قال: حدّثنا عطاء بن أبی رباح، قال: قال: سمعت ابن عباس یخیر...

همچنین امام صادق علیه السلام در نامه‌ای که به اصحاب خود نوشته است بعد از توضیح آیاتی آنان را از این که خود را به ندانستن بزنند و اوامر خداوند را نیاموزند نهی کرده و فرموده است:

« فَتَدَبَّرُوا هَذَا وَ اعْقِلُوا وَ لَا تَجْهَلُوا فَإِنَّهُ مَنْ يَجْهَلْ هَذَا وَ أَشْبَاهَهُ مِمَّا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي كِتَابِهِ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ وَ نَهَى عَنْهُ تَرَكَ دِينَ اللَّهِ وَ رَكِبَ مَعَاصِيَهُ فَاسْتَوْجِبَ سَخَطَ اللَّهِ فَأَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ - پس در آن چه گفتم تدبر کنید و آن را بفهمید و ندانسته نگیرید، زیرا هر کس این مطلب و مانند آن را که خدا در قرآنش فرض کرده از هر آنچه امر کرده یا نهی کرده ندانسته گیرد، دین خدا را رها کرده و نافرمانی او را مرتکب شده و سزاوار خشم خدا گردیده است و خداوند او را به رو در آتش دوزخ افکند.» (الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص ۵)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در مناجات شعبانیه به همین موضوع اشاره فرموده است:

« فَسَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي كَرَمِكَ وَ لِنَظْهِيرِ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاحِ الْعَفْلَةِ عَنْكَ - تو را سپاس گویم که مرا

در کرم خویش داخل کرده‌ای و دلم را از چرک‌های بی‌خبری و غفلت خویش پاکیزه ساختی.»